

والدین خوب والدین مسئول

گریزه حب فرزند در وجود هر پدر و مادر به ودیعه نهاده شده است. به تعبیر هر پدر و مادری محکوم به دوست داشتن فرزند خود می باشد. بدیهی است همه والدین خوشبختی و سعادت فرزند خود را آرزو می کنند و برای نیل به این اهداف از هیچ گونه کوششی دریغ نمی ورزند و سعی دارند که والدین خوبی برای فرزندان خود باشند. مفهوم والدین «خوب» در جوامع و فرهنگ ها و زمان های مختلف با یکدیگر فرق می کند. گروهی معتقدند والدین خوب به پدران و مادرانی اطلاق می شود که نیازهای اساسی و اولیه (مانند مسکن، غذا و پوشاک) را به خوبی ارضا کنند. گروهی معتقدند والدین خوب شامل کسانی است که نیازهای عاطفی و جسمانی و اجتماعی فرزندان را به طریق مقبول برآورده سازند. بنابراین «خوب» بودن والدین مفهومی اخلاقی و درعین حال نسبی است و با طبقه اجتماعی و نوع نگرش اجتماعی و نوع نگرش و ذهنیت والدین در مورد شیوه تربیت مرتبط است. به طور کلی می توان گفت والدین به نوعی «مسئول» اند که فرزندان خود را طوری تربیت کنند که با خود و اجتماع سازگار گردند. عده ای با خود، سازگاری دارند ولی با اجتماع سازگار نیستند. در مقابل گروه دیگری با اجتماع سازگارند ولی با خود سازگاری ندارند و در نتیجه از زندگی توأم با آرامش برخوردار نیستند. گاهی والدین با توجه با شناخت و باورهای غلطی که از والدین به اصطلاح «خوب» دارند نمی توانند مسئولیت پدر و ماری را به خوبی انجام دهند که معمولاً در دوره نوجوانی فرزندان بین کشمکش «خوب» بودن و «مسئول» بودن اسپر می شوند. برای نمونه ما به عنوان پدر و مادر آیا فکر کرده ایم که:

والدین به اصطلاح «خوب» چه کسانی هستند؟
والدین «خوب» چگونه عمل می کنند؟ و چگونه فرزندان را بار می آورند؟
والدین «مسئول» چه کسانی اند؟
والدین «مسئول» چگونه عمل می کنند؟ و چگونه فرزندان را بار می آورند؟
آیا نظارت بر همه فعالیت های فرزندان لازم است؟
سؤالات والدین از فرزندان در چه مواردی و چگونه باید باشد؟
محافظت و دلسوزی از فرزندان به چه میزان ضروری است؟
نظراتان در مورد این جمله که والدین باید خاک پای فرزندان باشند چیست؟
ما خود را جزء والدین «خوب» می شماریم یا والدین «مسئول»؟
آیا اینکه می گویند «حق با والدین است» صحیح است؟
والدینی که خود را کامل نمی دانند آیا در تربیت فرزندان موفق اند؟

در این مقاله سعی شده علاوه بر پاسخ به برخی از سؤالات فوق با ارائه جدول مقایسه ای از والدین به اصطلاح «خوب» و والدین «مسئول» شیوه های تربیتی خود را در هر یک از دو گروه سنجیده و به سویی حرکت کنی که از عهده مسئولیت فرزندانمان به خوبی برآیم تا بهتر بتوانیم سعادت و خوشبختی آن ها را تأمین کنیم.

والدین به اصطلاح خوب	والدین مسئول
معتقدند باید فرزند را مداوم تحت کنترل داشته باشند.	معتقدند که فرزند خودش می تواند قدرت انتخاب و تصمیم گیری داشته باشد.
از فرزندان تقاضای اطاعت دارند و حق انتخاب را از او سلب می کنند.	از فرزند تقاضای اظهارنظر دارند و اجازه انتخاب به او می دهند.
تأکید دارند که والدین درست می گویند و فرزندان اشتباه می کنند.	حرف و کردار خوب فرزندان را تشویق می کنند.
فرزندان این گروه عموماً: در برابر والدین طغیانگر می شوند.	فرزندان این گروه عموماً: احساس اعتمادبه نفس می کنند.
احساسات حقیقی خود را پنهان می کنند و دچار اضطراب می شوند.	برای رسیدن به اهداف تلاش می کنند. مساعدت و همیاری دارند.
در پی انتقام جویی برمی آیند.	به حل مسئله می پردازند.
احساس می کنند زندگی عادلانه نیست و ناامید می شوند.	زنگ و کاری بار می آیند.
مهاجم و دروغ گو بار می آیند.	انضباط مشخصی ندارند.
معتقدند ما برترییم.	معتقدند ممکن است در مواردی ما بیشتر بدانیم ولی برتری نداریم
برای فرزند دلسوزی می کنند.	به محترم شمردن فرزند اعتقاد دارند.
مسئولیت رفتار فرزند را به عهده می گیرند.	عدم وابستگی را تشویق می کنند.
بیش از حد از فرزند مواظبت می کنند.	حق انتخاب و مسئولیت را به او می دهند.
همیشه حق را به خود می دهند.	از او انتظار مساعد دارند.
کودک را لوس و خجالتی بار می آورند.	
فرزندان این گروه معمولاً: می آموزند برای خود دلسوزی کنند و دیگران را ملامت کنند.	فرزندان این گروه معمولاً: اعتمادبه نفس و پذیرش مسئولیت را در خود رشد می دهند.
از دیگران انتقاد می کنند.	تصمیم گیری را می آموزند.
خود را بی لیاقت می دانند.	به خود و دیگران احترام می گذارند.
به برابری معتقد می شوند.	به برابری معتقد می شوند.
معتقدند حق با من است و تو مدیون من هستی.	معتقد به احترام متقابل هستند.
به عدالت بیش از حد اهمیت می دهند.	برابری را به اوج می رسانند.
فرزند را در کنترل کامل دارند.	احترام متقابل را تشویق می کنند.
	نمی گذارند فرزند احساس گناه کند.
فرزندان این گروه معمولاً: به دیگران اعتماد ندارند.	فرزندان این گروه معمولاً: اعتمادسازی می کنند.
زندگی را عادلانه نمی پندارند.	اجتماعی بودن را به خوبی می آموزند.
خود را منفعل و تحت سلطه می بینند.	نه سلطه پذیرند و نه سلطه گر.
سعی در بهره کشی از دیگران دارند.	

✳️ ما خود را جزء کدام گروه از والدین می دانیم؟

مسئول باشیم

نگارش: حسن زارعیان- مدرس و مشاور خانواده



معتقدند من باید کامل باشم	معتقدند من انسانم و جرأت آن را ندارم که اعتراف کنم کامل نیستم.
از همه انتظار کامل بودن دارند.	معیارهای واقعی را در نظر دارند و بر نقاط قوت در صدد یافتن نقطه ضعف و اشتباهات هستند. تمرکز می کنند.
به اینکه دیگران چگونه فکر می کنند خیلی اهمیت می دهند.	در تربیت شکیبیا و پرحوصله اند
به فرزندانشان فشار می آورند ک خود را خوب و با ادب نشان دهد.	فرزندان این گروه معمولاً: برای انجام وظیفه ای که پیش رو دارند تمرکز می کنند نه برنده شدن خود. اشتباهات را به عنوان پایه ای برای کوشش آینده به حساب می آورند. شهادت تجارب جدید را دارند. ضربه گیر دیگران هستند.
فرزندان این گروه معمولاً: باور دارند که به اندازه کافی خوب نبوده اند. حس می کنند به حد کمال رسیده اند.	فرزندان این گروه معمولاً: حساس دلسردی می کنند. نگران عقیده ی سایرین در مورد خود هستند.
معتقدند من در جمع دیگران به حساب نمی آیم، سایرین از من مهم تر هستند.	معتقدند که همه مردم از جمله من مهم هستم.
بیش از حد به فرزند خود خدمات ارائه می دهند.	احترام متقابل و مساعدت را تشویق می کنند «خاک زیر پا بودن» والدین را مردود می دانند.
تصمیم گیری را می آموزند.	می دانند چه موقع به خواسته های فرزند «نه» منفی دادن به او احساس گناه می کنند.
به خود و دیگران احترام می گذارند.	تسلیم مطلق خواسته های فرزند هستند. برای جواب منفی دادن به او احساس گناه می کنند.
معتقدند حق با من است و تو مدیون من هستی.	معتقد به احترام متقابل هستند.
به عدالت بیش از حد اهمیت می دهند.	برابری را به اوج می رسانند.
فرزند را در کنترل کامل دارند.	احترام متقابل را تشویق می کنند.
	نمی گذارند فرزند احساس گناه کند.
فرزندان این گروه معمولاً: به دیگران اعتماد ندارند.	فرزندان این گروه معمولاً: انتظار کمک از دیگران دارند.
زندگی را عادلانه نمی پندارند.	رابطه اجتماعی ضعیفی برقرار می کنند.
خود را منفعل و تحت سلطه می بینند.	به حقوق سایرین احترام می گذارند.
سعی در بهره کشی از دیگران دارند.	سخاوتمند با کرامتند.
	خودخواه و مغرور هستند.